

پذیرفته‌اند از سوی دیگر، مدرنیست‌های افراطی در پس زدن آنچه از تمدن غربی به دست می‌آید، بیشتر جنبهٔ مطلق‌گرا داشته‌اند. گروه اهل حدیث هند، پیروان سید قطب و وهابیان و جماعت اسلامی پاکستان، از جمله این گروه‌های افراطی هستند.

این استاد دانشگاه سنگاپور با اشاره به ویژگی‌های بنیادگرایی اظهار می‌دارد: بنیادگرایان، شریعت‌گرای محض هستند و صرفاً به یک جنبهٔ اسلام توجه می‌کنند، لذا مفهوم خداوند در این جا مفهوم مقتدرانه است و خداوند به عنوان عامل تنبیه و مجازات انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. نگرش بنیادگرایی افراطی، ضدیت کاملی با تفکر شیعی و طریقت صوفیه دارد و آنان به صورت یک‌سویه به ظاهر شریعت توجه دارند و به باطن شریعت بی‌اهمیت هستند.

اما آنچه سنت‌گرایان دربارهٔ خدا می‌گویند، بر مبنای رحمت و امید و محبت و عشق است و خداوند را اشاعه‌دهندهٔ عشق و محبت می‌دانند، نه عاملی برای تنبیه و مجازات و باید توجه داشت که بنیادگرایان افراطی در جنوب شرقی آسیا در اقلیت هستند. آقای العطاس در خاتمه این بحث تأکید می‌کند که در مطالعهٔ بنیادگرایی، ما نباید نگرش مسلمانان به این مقوله را از نظر دور داریم و باید به فعالیت‌های بومی در این حوزه که توسط خود مسلمانان انجام شده است نیز توجه کنیم.

گزارشگر: نجفعلی غلامی

## بازخوانی آرای ادوارد سعید درباره روشن فکری

جواد ماه زاده

اعتمادملی، ش ۸۳۶، ۱۳۸۷/۱۰/۲۶

آقای ماه زاده در این نوشتار به بازخوانی آرای ادوارد سعید درباره روشن فکری اشاره کرده است. سخن از روشن فکر است؛ ادوارد سعید در تعاریف خود با تأکید بر عناصر روشن فکری شامل فعالیت، عمل، شکاکیت، عقلانیت و داوری به پایبندی الزام‌آور او به آزادی و عدالت اشاره می‌کند و همین مسأله را عاملی برای رو در رویی گاه به گاه در مقابل اصحاب قدرت بر می‌شمارد. بنابراین توجه و دغدغه خاطر او نسبت به حقیقت، کمالیت و عدالت موجب می‌شود هیچ‌گاه خویش را ملزم به اطاعت از دولت‌ها و پیروی از اندیشه‌های مستمر و فراگیر موجود در اجتماع نداند. روشن فکر، بی‌هیچ ملاحظه کاری و مصلحت‌بینی، در تلاش برای کشف و انعکاس حقیقت و برقراری عدالت است و این احتمال هم می‌رود که شاید چندان محبوب جامعه نباشد. از دیدگاه ادوارد سعید بهتر آن است که روشن فکر بحران‌ها، شکاف‌ها و تجربیات سخت و دردآور جامعهٔ خود را، به شکلی هنری و ماندگار برای ملت‌های دیگر و نسل‌های آینده ثبت و ضبط کند. ادوارد سعید روشن‌فکران را به دو

دسته تقسیم می‌کند؛ آن‌هایی که با جامعه هم‌سازند و بدان وابسته‌اند (سازگارند) و آنانی که با جامعه سرسازگاری ندارند و اگرچه در جغرافیای سرزمین خویش زندگی می‌کنند اما غیرخودی، غریبه، بیگانه و تبعیدی جلوه می‌کنند. از دیدگاه ادوارد سعید، روشن‌فکر ناسازگار و مستقل که خواهان تحول و دگر دیسی وضعیت موجود است، حتی در خانه خود نیز احساس بیگانگی می‌کند. پس برای آدمی که زیستی بینابین و معلق دارد و بی‌وطن می‌نماید، نوشتن محلی می‌شود برای زیستن؛ او با نوشتن زنده است. بنابراین اگر کسی از عواقب روشن‌فکری و جدایی‌ها و تهدیدها و تفکرات آتیش‌واهمه دارد، از همان آغاز باید «نویسد»، اما وقتی نوشت و پذیرفت که در این راه تنها به هویت و فردیت خود متعهد باشد، دیگر جز نوشتن محلی برای زیست او نخواهد بود.

روشن‌فکر از عادت‌ها و عرف‌ها و نظم موجود تبعیت نمی‌کند و غالباً «نه» گویان و ناسازگار در پی ابداع و آزمون تجربه است و باز این همان ویژگی است که او را در برابر اهالی قدرت قرار می‌دهد. ادوارد سعید معتقد است که صرف فعالیت حرفه‌ای روشن‌فکر و کسب معاش او از دانشگاه یا روزنامه و... به معنی پشت‌پازدن به تعهدات و اندیشه‌ها نیست. البته نگرانی او از ماندن روشن‌فکران در وضعیت «تخصصی» است. ادوارد سعید که روشن‌فکران را به دو گروه عام و خاص هم تقسیم می‌کند، افرادی مثل سارتر را روشن‌فکر عام می‌داند، اما می‌گوید کسانی هم هستند که تنها در یک رشته و تخصص علمی خاص فعالیت فکری و تحقیقی می‌کنند.

ترس سعید از این است که روشن‌فکران در مرحله تخصصی بودن (خاص اندیشی) باقی بمانند و نقش عمومی خویش را که در بردارندهٔ دغدغه‌های جهانی آن‌هاست، (عدالت و آزادی) به فراموشی بسپارند و یا مهلتی برای آن نیابند. او بر این باور است که روشن‌فکر، علاوه بر این که باید از مرتبهٔ خاص به عام بودن صعود کند، باید از محلی بودن و مرزهای ملی و قومی خود نیز به وادی جهان‌شمولی عزیمت کند؛ جایی که شاید تنها به لحاظ زبان، و نه اندیشه با دیگران تفاوت داشته باشد. آنچه امروز روشن‌فکر را به طور جدی تهدید می‌کند، چه در غرب و چه در جهان غیر غربی، شیوهٔ نگرش و برخوردی است که سعید آن را حرفه‌ای‌گری می‌نامد. مفهوم حرفه‌ای‌گری در ذهن ادوارد این است که کار شما به عنوان روشن‌فکر فعالیت است که بین ساعت نه صبح تا پنج بعدازظهر برای گذران زندگی انجام می‌دهید و در طول این زمان، یک چشمتان به ساعت و چشم دیگران مراقب چیزی است که رفتار درست حرفه‌ای محسوب می‌شود. به این ترتیب نه اوضاع را به هم می‌ریزید و نه از الگوهای پذیرفته شده یا حد و مرز دور می‌افتید، بلکه خود را باب میل بازار و بالاتر از همه مقبول طبع دیگران می‌سازید و در نتیجه غیر جدلی، غیر سیاسی و بی‌طرف می‌مانید. روشن‌فکر از نگاه او دارای دیدگاهی جهان‌وطنی است و فراتر از یک فرهنگ، نژاد و ملیت

می‌اندیشد. روشن فکر نباید مثل سیاست‌مداران تنها به منافع خود و ملیت و جغرافیای بومی خویش بیندیشد و نسبت به دیگران متفاوت باشد. اساساً کار روشن فکر از میان برداشتن غیریت و بیگانه ستیزی مطلق و تمرکز بر نقاط مشترک انسانی است.

گزارشگر: حسین احمدی

## مبنا و معنای تروریسم (از منظر جامعه‌شناختی)

محمود صدری

اعتدادمی، ش ۸۱۷، ۱۳۸۷/۱۰/۱

آقای صدری در این نوشتار به چکیده‌ای از دو مقاله تحت عنوان مبنا و معنای تروریسم از منظر جامعه‌شناختی اشاره کرده است.

ایشان در ابتدا بیان می‌کند که تعریف دقیق از تروریسم، ساده‌تر از آن است که بسیاری تصور می‌کنند؛ هرگونه «حمله متمرکز بر غیر نظامیان غیر مسلح با اهداف سیاسی» مشمول تعریف تروریسم بوده و مطلقاً محکوم است. این تعریف چند مؤلفه دارد.

نخست، این‌که حملات باید «متمرکز» باشد. دوم، «نظامیان» غیر مسلح و غیر نظامیان «مسلح» را نیز در برمی‌گیرد. سرانجام، هر چند هدف نهایی تروریسم، مشروع و عادلانه باشد، این امر بنا به اصل «هدف وسیله را مباح نمی‌کند»، موجب برائت تروریسم نخواهد بود. به نظر نویسنده «اگر این تعریف جامع و مانع و جهان‌شمول، هنوز در قالب منشور جهانی در رأس برنامه‌های سازمان ملل قرار نگرفته، علت آن دخالت منافع و مطامع سیاسی کشورهای نیرومندی است که از ابهام و تلیف و خط مقولات فوق‌ترافی می‌بندند». تحلیل هزاران مورد تروریسم در پنجاه سال اخیر به شکل گرفتن دو نحله فکری در میان علمای علوم سیاسی منجر شد و رویکرد سومی نیز نزد علمای جامعه‌شناسی شکل گرفته است.

نظریه ابزاری: این مکتب فکری معتقد است، تروریسم نتیجه عکس‌العملی عقلانی و ابزاری در برابر رقیبی قدرتمند است. بنا بر این تعریف، تروریست‌ها به دنبال کاراترین و کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با دشمن قلدرتر به تروریسم روی می‌آورند. در پیامد این تحلیل، دو راه مقابله با تروریسم پیشنهاد می‌شود: «دفاع» که تاکتیک‌هایی مانند تلافی غیر متعارف را در بر دارد و «پیش‌گیری» که شامل علاج واقعه قبل از وقوع است. در هر دو این موارد عکس‌العمل باید به قدری شدید باشد که با افزودن بر هزینه و کاستن سود پیش‌بینی شده، تروریست‌ها را وادار کند که در محاسبات خود تجدید نظر کنند و از این تصور که تروریسم راه ارزان و ساده تفوق بر دشمن برتر است، دست بردارند.

نظریه سازمانی: این مکتب فکری هم تروریسم را عقلانی و هدفمند، اما اهداف آن را